

بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر مدل SYMBIS (تحکیم ازدواج پیش از شروع)
بر انتظارات از ازدواج و باورهای مربوط به انتخاب همسر دختران مجرد شهرکرد

Investigating the Effect of the SYMBIS-Based Training Model on Young
Women's Marriage Expectations and Beliefs about Mate Selection

S. L. Mirahmadi, Ph.D.

Family counseling Ph.D. , University of Isfahan

M. Fatehizade, Ph.D.

Department of Counseling, University of Isfahan, Isfahan, Iran

O. Etemadi, Ph.D.

Department of Counseling, University of Isfahan, Isfahan, Iran

R. S. Jazayeri, Ph.D.

Department of Counseling, University of Isfahan, Isfahan, Iran

A. Pasandide, Ph.D.

Department of Quranic Sciences and Hadith, University of
Qom, Qom, Iran

دکتر سیده لیلا میراحمدی

دکترای مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان

دکتر مریم فاتحی زاده

گروه مشاوره، دانشگاه اصفهان

دکتر عذرا اعتمادی

گروه مشاوره، دانشگاه اصفهان

دکتر رضوان السادات جزایری

گروه مشاوره، دانشگاه اصفهان

دکتر عباس پسندیده

گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم

دریافت مقاله: ۹۶/۹/۷

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۷/۵/۹

پذیرش مقاله: ۹۷/۵/۱۱

Abstract

Premarital education programs for achieving real beliefs and expectations about marriage and mate selection are very suitable. The present study aims to investigate the effectiveness of the SYMBIS-based training model on young women's beliefs about mate selection and marriage expectations. The sample size consisted of 30 Iranian single women volunteered to participate in the study.

✉Corresponding author: Counseling Department,
Faculty of Psychology, University of Isfahan
Email: m.fatehizade@edu.ui.ac.ir

چکیده

برنامه‌های آموزشی قبل از ازدواج در جهت کسب باورها و انتظارات واقعی در مورد ازدواج و انتخاب همسر بسیار مفید است. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش مبتنی بر مدل SYMBIS بر باورهای مربوط به انتخاب همسر و انتظارات از ازدواج دختران صورت گرفته است. نمونه شامل ۳۰ دختر مجرد ایرانی داوطلب شرکت در مطالعه بود که به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گروه کنترل جای گرفتند.

✉نویسنده مسئول: اصفهان، خیابان هزار جریب، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، گروه مشاوره
پست الکترونیکی: m.fatehizade@edu.ui.ac.ir

They were divided into two experimental and control groups (each with 15 participants). The two groups answered the researcher-made Beliefs about Mate Selection Scale (BMSS) and Marriage Expectation Scale (MES) in pretest, posttest, and follow-up stages. The results obtained from those questionnaires were analyzed via the repeated measures ANOVA. The results showed that the SYMBIS-based training model is more effective on reducing irrational beliefs and expectations about marriage in the experimental group than the control group. Also indicated was the sustainability of the training model after 3 month. In conclusion, the SYMBIS model can be used in premarital training and counseling models and programs.

Keywords: SYMBIS Model, Beliefs about to Mate Selection, Marriage Expectation.

هر دو گروه به پرسش‌نامه محقق‌ساخته باورهای مربوط به انتخاب همسر (BMSS) و انتظارات از ازدواج (MES) به عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون و آزمون پیگیری پاسخ دادند و نتایج با استفاده از آزمون تحلیل کواریانس با اندازه‌گیری مکرر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان‌دهنده تأثیر مدل SYMBIS بر کاهش باورها و انتظارات غیرمنطقی در مقایسه با گروه کنترل بود. همچنین نتایج نشان‌دهنده پایدار بودن اثر آموزش بعد از گذشت سه ماه بود. بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که از مدل SYMBIS می‌توان در آموزش و مشاوره قبل از ازدواج استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: مدل SYMBIS، باورهای مربوط به انتخاب همسر، انتظار از ازدواج.

مقدمه

انتخاب همسر هم برای زن و هم برای مرد از دوره‌های حساس زندگی به شمار می‌رود. کامیابی زندگی آینده در تمامی ابعادش، به انتخاب درست هنگام ازدواج بستگی دارد. بسیاری از ناکامی‌های زندگی زناشویی از فرایند انتخاب نادرست سرچشمه می‌گیرد، چراکه موفقیت خانواده به ویژگی‌های همسران بستگی دارد و خاستگاه بخشی از این ویژگی‌ها، قبل از ازدواج است (پسندیده، ۱۳۹۱). در این میان انتظارات و باورهای مرتبط به ازدواج، نقش کلیدی را بازی می‌کنند.

انتظارات زناشویی^۱ عبارت است از استانداردها و فرضیه‌های ذهنی، چارچوب‌های از پیش تعیین‌شده و باید‌ها و نباید‌هایی که زوجین در مورد همسر و زندگی زناشویی دارند که ممکن است مبتنی بر واقعیت باشد یا نباشد. افراد انتظارات‌شان را از آنچه می‌بینند، می‌شنوند و در طول زمان تجربه می‌کنند، رشد می‌دهند. امروزه با تغییر جهت از تأکید بر ازدواج به عنوان سنت، به ازدواج به عنوان یک رابطه، انتظارات زناشویی مورد تجدیدنظر قرار گرفته‌اند (هریس^۲، ۲۰۰۷؛ به نقل از نیل‌فروشان، ۱۳۹۰).

طبق نظریه یادگیری اجتماعی پیامدهایی که فرد تجربه می‌کند، از طریق اطلاعات درباره تجارب، پاداش‌های حاصل از رفتار خاص، یا از طریق تقویت واکنش‌ها به رفتار خاص بر انتظارات فرد تأثیر می‌گذارد. رفتارهایی که فرد خود تجربه کرده یا از شخص دیگری در خانواده مشاهده می‌کند، انتظارات او از رفتار خود در موقعیت مشابه را ایجاد می‌کند. اگر تجارب یا مشاهدات مثبت یا منفی باشند، به همان نسبت انتظاراتی اتخاذ می‌شود

که رفتار را هدایت خواهد کرد. بر اساس نظریه دلبستگی که توسط بالبی ارائه شد، تجارب اولیه‌ای که فرد در رابطه با والدین خود کسب می‌کند، به ایجاد الگوهای فعال درونی^۳ منجر می‌شود که خود بر نگرش‌ها و انتظارات از روابط بعدی تأثیر دارد (هالمن^۴، ۲۰۰۵).

انتظار از ازدواج از آن جهت واجد اهمیت است که پیامدها و رضایت از رابطه زناشویی در آینده را شکل می‌دهد. به عنوان یک اصل افراد بر اساس انتظارات‌شان از یکدیگر عمل می‌کنند. به عبارت دیگر انتظارات افراد بر آنچه به طور واقعی در روابط آن‌ها پیش می‌آید، تأثیرگذار است. به عنوان مثال، شواهد گویای آن است که زنانی که انتظار دارند از طرف همسرشان طرد شوند، به گونه‌ای در روابط عاشقانه عمل می‌کنند که منجر به فراقوانی پاسخ‌های طردکننده از سوی همسر می‌شود، زیرا انتظار آنان بر نحوه تفکر، احساس و رفتار آن‌ها در این‌گونه روابط تأثیر می‌گذارد. در واقع انتظارات، نقش‌های همسران را مشخص می‌کند (شاور^۵، ۲۰۰۷).

اگرچه انتظارات از ازدواج ممکن است زیاد باشد، اما به طور متناقض گونه‌ای به نظر می‌رسد که انتظارات کمی برای یک ازدواج شاد و بادوام مورد نیاز است. این ترکیب پویا از انتظارات متضاد یکی دیگر از عوامل مشارکت‌کننده در روند نزولی ازدواج است (امری، هورن و بیم^۶، ۲۰۱۲). از سوی دیگر باورها از جنبه‌های مهم روابط بین‌فردی هستند، اما زمانی که به روابط زناشویی وارد می‌شوند، محدودیت‌هایی در دانش ما در خصوص باورهای زناشویی وجود دارد (پارک و روسن^۷، ۲۰۱۳).

باورها سازه‌های ذهنی منشعب‌شده از پیامدهای عقاید از پیش موجود یا تبیینی برای تجربیات هستند. همگرایی داستان شخصی‌مان با تأثیرات فرهنگی معاصرمان، به شکل‌گیری باورهای ویژه‌مان درباره روابط عاشقانه منجر می‌شود که خود بر فرایند انتخاب و نگهداری همسر تأثیر می‌گذارد. زمانی که دو نفر همدیگر را ملاقات می‌کنند و یک رابطه را شکل می‌دهند، مجموعه منحصربه‌فردی از باورها می‌توانند عامل موفقیت یا شکست رابطه بشوند (نیلسون^۸، ۲۰۱۳).

این باورها می‌توانند تسهیل‌کننده یا محدودکننده باشند. باورهای محدودکننده^۹ در مورد انتخاب همسر به صورت باورهای شخصی تعریف می‌شوند و بنا بر تعریف لارسون^{۱۰} شامل چهار دسته باور هستند؛ ۱. محدود کردن انتخاب‌های فرد بر اساس این‌که با چه کسی و چه زمانی ازدواج کند، ۲. تقویت باورها به تلاش بیش از حد یا بسیار کم برای یافتن همسری مناسب، ۳. عدم توجه عمیق در مورد ضعف‌ها و قدرت‌های درون فردی و عوامل شخصیتی مؤثر بر موفقیت زندگی زناشویی و ۴. باور به دائمی بودن مشکلات مربوط به انتخاب همسر و عدم وجود راه‌حل مناسب و سازنده. برای مثال بعضی افراد بر این باورند که تنها عشق می‌تواند از پس تمام مشکلات برآید و ازدواج موفق را رقم زند. هرچند بسیاری از پژوهشگران به نقد این مسأله پرداخته و تنها عاشق بودن را ناکافی دانسته‌اند. باورها بر احساس‌های ما تأثیر می‌گذارند و پاسخ‌های ما را در موقعیت‌ها هدایت می‌کنند که خود بر میزان رضایت ما از زندگی و روابط موجود اثرگذار است. برای مثال کسانی که بر این باورند که قبل از ازدواج باید از همه لحاظ کامل شده باشند، احتمالاً به شدت در مورد ضعف‌هایشان احساس عدم صلاحیت می‌کنند و در نتیجه به صورت جدی به دنبال انتخاب همسر نخواهند بود (لارسون، ۲۰۰۰).

باورها و انتظارات منشعب از آن، از جمله پدیده‌های شناختی هستند که تحریف در آن‌ها در آشفتگی زناشویی سهم دارد (سپهری و همکاران، ۱۳۹۰). در تمام روابط بین‌فردی، افراد با انتظارات معینی وارد رابطه می‌شوند که بر رفتار آن‌ها به شیوه‌ای مثبت یا منفی تأثیر می‌گذارد، اما اکثر افراد انتظارات و باورهای غیرواقع‌بینانه‌ای از ازدواج دارند. آن‌ها انتظار دارند که همسرشان تمام خلأهای آن‌ها را در قبل از ازدواج پر کند. در حقیقت رضایت‌مندی زناشویی در صورتی که انتظارات همسران با واقعیت متناسب نباشد، کاهش می‌یابد و پیش‌بینی‌کننده نتایج مخربی در زندگی زناشویی خواهد بود (مک‌ناتلی، ۲۰۰۸؛ به نقل از نیل‌فروشان، عابدی، احمدی و نویدیان، ۱۳۹۰).

مفیدترین راه برای شناخت انتظارات و باورهای مربوط به ازدواج شرکت در برنامه‌های مشاوره پیش از ازدواج است. برنامه‌های آموزشی قبل از ازدواج جهت کسب باورها و انتظارات واقعی در مورد ازدواج و همسر بسیار مفید است (یلماز و کالکان^{۱۱}، ۲۰۱۰).

بسیاری از زوجین وقت، انرژی و پول قابل توجهی را برای جشن ازدواج هزینه می‌کنند، در حالی که زمان کمی را جهت آماده شدن برای ازدواج صرف می‌کنند. در واقع درصد کمی از ازدواج‌ها به وسیله شرکت در برنامه‌های آموزشی پیش از ازدواج شروع می‌شود. برنامه‌ریزی برای یک جشن ازدواج بی‌عیب و نقص بر برنامه‌ریزی برای یک ازدواج موفق تقدم پیدا کرده که این امر موجب اختلال در ازدواج شده است. برنامه‌های پیش از ازدواج، برای زوجین یک رویکرد جایگزین و پیشگیرانه را برای پیش‌بینی و مشخص کردن فاکتورهای خطر (از جمله انتظارات و باورهای غیرمنطقی درباره ازدواج) که منجر به آشفتگی و طلاق زوجین می‌شود، فراهم می‌کند. آموزش‌های پیش از ازدواج موجب افزایش کیفیت زندگی زناشویی، کاهش سطوح تعارض و کاهش نرخ طلاق می‌شود (پاروت، ۲۰۱۰).

رفیعی و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای نشان دادند که آموزش آمادگی برای ازدواج در جهت بهبود انتظارات زناشویی دختران مؤثر است. در پژوهش دیگری آموزش غنی‌سازی اولسون موجب افزایش رضایت زناشویی زوجین شده است (قاسمی مقدم و عسکری، ۱۳۹۲).

یوسفی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به غنی‌سازی رابطه همسران در مدل بهبود رابطه پرداختند. شواهد نشان می‌دهد که به‌کارگیری مدل بهبود رابطه از سوی متخصصان ایرانی برای یاری رساندن به همسران آشفته و همسران خواستار تجربه رابطه و پیوند زناشویی غنی، سودمند است.

جنبش‌های غنی‌سازی ازدواج منجر به پیدایش رویکردهای مختلفی از جمله برنامه اولسون، رویکرد مواجهه با زندگی، برنامه ارتقای ارتباط، برنامه غنی‌سازی ساختاریافته، برنامه ارتباط زوجین، رویکرد تایم و SYMBIS^{۱۲} شده است. یکی از برنامه‌های آموزشی پیش از ازدواج مدل SYMBIS (تحکیم ازدواج پیش از شروع) است که یک برنامه پیشگیرانه نسبتاً جدید است که به آماده‌سازی افراد برای ازدواج می‌پردازد؛ به گونه‌ای که بتوانند از قوانین ناگفته‌ای آگاهی یابند تا آزادی آنان برای پذیرش، رد یا تغییر قوانین ناشی از خانواده اصلی که متزلزل‌کننده رابطه آینده آن‌ها خواهد بود، افزایش یابد. در این رویکرد افراد از نقش‌ها و فرضیات پیش‌نویسه‌ای که تمایل به اجرای آن دارند، آگاهی می‌یابند تا بتوانند درباره چگونگی نوشتن یک نقش جدید، به گفت‌وگو بپردازند و انتظارات واقع‌بینانه‌ای را برای ازدواج خود در نظر بگیرند (برگر و هانا^{۱۳}، ۱۹۹۹).

لس پاروت و لس لی پاروت^{۱۴} در مرکز ارتقای روابط در دانشگاه پاسیفیک سیاتل^{۱۵}، مدل BIS SYM را معرفی کردند. ماهیت این مدل بر اساس رویکرد سیستم خانواده، به ویژه نظریه سیستمی خانواده بوئن و نظریه رفتاری شناختی شکل گرفته است. این مدل تلاش دارد با مفهوم تمایز خویشتن بوئن هماهنگ شود و زوج را در بافت سیستم خانوادگی گذار نسلی، به ویژه در نخستین جلسات مشاوره بررسی کند. نقش خانواده اصلی برای مشاوره پیش از ازدواج از دید این رویکرد بسیار اساسی و مهم تلقی می‌شود. یک ویژگی بی‌نظیر این برنامه، باشگاه راهنمایی ازدواج است. در این باشگاه بین افرادی که در آستانه ازدواج هستند یا به تازگی ازدواج کرده‌اند، با زوج‌های باتجربه‌تر ارتباط برقرار می‌شود. مدل SYMBIS به منظور حمایت از یک زوج برای آغاز یک ازدواج موفق، در ۸ تا ۱۰ جلسه تدوین شده و این اهداف را پیگیری می‌کند: ۱. اسطوره‌زدایی از باورهای غیرمنطقی ازدواج، توسعه انتظارات سالم از ازدواج، ۲. تقویت یک مفهوم واقع‌گرایانه از عشق و انعطاف‌پذیری آن، ۳. ترویج نگرش و چشم‌اندازی به زندگی که ازدواج را با وجود مشکلات پیش‌بینی‌نشده می‌تواند حفظ کند، ۴. آموزش مهارت‌های ارتباطی کارآمد، ۵. درک صحیح و پذیرش تفاوت‌های جنسیتی و ۶. درک ارزش‌های معنوی (پاروت و پاروت، ۲۰۰۶).

پاروت و پاروت به نقل از برگر و هانا (۱۹۹۹) در کتاب‌شان با عنوان «ازدواج خود را پیش از شروع حفظ کنید»، به هفت رابطه کلیدی اشاره می‌کنند که با قرار دادن هفت سؤال که پیش از ازدواج باید پرسید، سنجیده می‌شوند. این سؤالات عبارتند از:

۱. آیا با اسطوره‌های ازدواج با صداقت روبه‌رو می‌شوید؟ ۲. آیا می‌توانید سبک عشق خود را مشخص کنید؟ ۳. آیا عادت شاد بودن را در خود ایجاد کرده‌اید؟ ۴. آیا آنچه در ذهن‌تان است را بیان می‌کنید و آنچه می‌شنوید را می‌توانید درک کنید؟ ۵. آیا می‌توانید از شکاف جنسیتی پل زده و عبور کنید؟ ۶. آیا می‌دانید چگونه یک چالش را به خوبی اداره کنید؟ ۷. آیا شما و همسرتان از نظر روحی مانند همدیگر هستید؟

پژوهش‌های طولی روی این برنامه در حال انجام است که رابطه زوجین را در بسیاری از ابعاد، پیش از اجرای برنامه SYMBIS، بلافاصله بعد از برنامه، یک ماه بعد و پس از یک سال می‌سنجد. بسیاری از پژوهش‌ها که از سوی شرکت‌کنندگان گزارش شده، از مدل SYMBIS، ارزیابی مثبت داشته‌اند (برگر و هانا، ۱۹۹۹).

پاروت و پاروت مطالعه طولی را روی ۱۹ زوج شرکت‌کننده در برنامه پیش از ازدواج SYMBIS که در کلیسا اجرا می‌شد، در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ انجام دادند. ۱۸ زوج از ۱۹ زوج شرکت‌کننده با برنامه نظرخواهی موافقت کردند و با آن‌ها تماس گرفته شد. در خصوص رضایت زناشویی، پژوهش آن‌ها آشکار کرد که بیش از ۸۲ درصد از زوجین گزارش کرده‌اند که بسیار شاد هستند، در حالی که درصد باقی‌مانده خود را تا حدی شاد ارزیابی کرده بودند. هیچ‌یک از زوجین «ناشاد» نبودند. در خصوص ارتباط، بیش از ۷۲ درصد ارتباط‌شان را بالای حد متوسط یا بسیار خوب برآورد کردند. در حوزه حل تعارض بیش از ۸۲ درصد خودشان را در حد خوب یا بسیار خوب ارزیابی کردند. هیچ‌یک از زوجینی که در نظرخواهی شرکت کرده بودند، جدا نشده و طلاق نگرفته بودند. این در صورتی است که چهار سال قبل از اجرای مدل SYMBIS، تصمیم به طلاق در کمتر از ۱۸ درصد آن‌ها وجود داشت (ویل^{۱۶}، ۲۰۱۶).

مارکس^{۱۷} (۲۰۰۷) در مطالعه خود نشان داده که مدل SYMBIS در کاهش طلاق و ایجاد یک رابطه زناشویی پایدار و روابط رضایت‌بخش مؤثر بوده است.

ویل (۲۰۱۶) در رساله دکترای خود با عنوان «مشاوره پیش از ازدواج؛ یک پیش‌نیاز برای ازدواج» بیان کرده که نرخ طلاق در بین مسیحیان آمریکا که به کلیسا می‌روند و برنامه‌های مشاوره پیش از ازدواج، از جمله مدل SYMBIS را دریافت کرده‌اند، کاهش یافته است. او مطرح می‌کند تمام کلیساها باید یک برنامه رسمی پیش از ازدواج را به عنوان پیش‌نیاز ازدواج برای زوجین تدوین و آن را الزام‌آور کنند، چراکه موجب کاهش طلاق و افزایش رضایت زناشویی می‌شود.

جعفرزاده (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر مدل SYMBIS بر کاهش تعارضات زناشویی در زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مداخله در بحران شهر اصفهان پرداخته است. نمونه پژوهش او ۴۴ زوج بوده که در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۲۲ زوج) قرار گرفته‌اند و به مدت هشت جلسه مورد آموزش قرار گرفته‌اند. هم‌چنین مدت ازدواج آن‌ها از ۷ ماه تا ۱۰ سال متغیر بوده است. نتایج تحلیل کواریانس بیانگر این بوده که مدل SYMBIS تأثیر معناداری بر کاهش تعارضات زناشویی و ابعاد آن (سبک اجتنابی، سبک مسلط، سبک مصالحه و سبک ملزم‌شده) نداشته است، ولی بر سبک یکپارچگی تأثیر معناداری داشته است.

با توجه به این که جامعه آماری پژوهش فوق‌الذکر زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مداخله در بحران بوده‌اند، طبیعی است که شدت تعارض این زوجین بسیار زیاد بوده و طبیعتاً به جلسات آموزشی بیشتری نیازمند بوده‌اند تا این مداخله آموزشی بتواند بر ابعاد سبک حل تعارض آن‌ها تأثیر بیشتری داشته باشد. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به عدم استفاده از زوج‌مربیان اشاره کرد؛ چراکه در فرمت زوجی این مدل، تأکید زیادی بر استفاده از زوج‌مربیان به عنوان هدایتگر و مشورت‌دهنده عملی می‌شود. رویارویی با زوجین موفق که اختلافات و تعارضات خود را به شیوه صحیحی حل می‌کنند، بهتر از آموزش صرف، می‌تواند موجب تأثیرگذاری بر زوجین دارای تعارضات زناشویی شود.

بررسی پیشینه پژوهشی نشان داد که تنها یک مطالعه در خصوص مدل SYMBIS در ایران صورت گرفته است. این در حالی است که محتوای آموزشی این رویکرد قابلیت اجرایی زیادی در فرهنگ ما دارد و از بین مدل‌های موجود، در مشاوره پیش از ازدواج کاربرد بیشتری دارد، چراکه فرمت کاربردی آن برای افراد مجردی که زندگی آن‌ها وجود ندارد نیز قابلیت اجرا دارد. عدم انجام غربالگری اولیه، قابلیت کاربرد در گروه‌های سنی مختلف (به خصوص افراد مجرد) و استفاده از زوج‌مربی از جنبه‌های منحصربه‌فرد این رویکرد است. توجه به اسطوره‌های ازدواج و ارتقای انتظارات سالم از ازدواج، تقویت یک مفهوم واقع‌گرایانه از عشق و انعطاف‌پذیری آن، آموزش مهارت‌های ارتباطی، درک صحیح و پذیرش تفاوت‌های جنسیتی و آموزش مهارت‌های حل تعارض اهدافی است که در این برنامه آموزشی دنبال می‌شود. اما مهم‌ترین دلیل برای انتخاب این مدل نسبت به رویکردهای دیگر، توجه آن به درک ارزش معنوی ازدواج است که با فرهنگ ایرانی - اسلامی جامعه ایران قرابت زیادی دارد؛ مسأله‌ای که در مدل‌های آموزشی دیگر کمتر به آن پرداخته می‌شود. در این مدل تأکید زیادی بر جنبه معنوی ازدواج شده و خداوند را ضلع سوم مثلث ازدواج می‌داند. فرازهایی از کتاب مقدس انجیل برای زوجین شرکت‌کننده بیان می‌شود. از جمله به نقل از حضرت عیسی مسیح^(ع) بیان می‌کنند که خداوند ازدواج را طراحی کرده تا یک رابطه طولانی‌مدت بین زن و مرد باشد.

ازدواج پیوندی است که تنها از طریق مرگ گسسته می‌شود و طلاق یک امر نامطلوب نزد خداوند است (ویل، ۲۰۱۶). تحقیقات نشان می‌دهد که عمده طلاق‌ها در زوجین ایرانی در پنج سال اول زندگی اتفاق می‌افتد که یکی از دلایل مهم آن می‌تواند انتخاب ناآگاهانه باشد. از سوی دیگر تحقیقات نشان داده‌اند انتظارات از ازدواج در مرحله پیش از ازدواج با ثبات و رضایت زناشویی رابطه دارد (هالمن، ۲۰۰۵) و انتظارات غیرمنطقی از جمله موانع ازدواج است (صاحبی حق و قلیانی، ۲۰۰۸؛ به نقل از نیل‌فروشان، ۱۳۹۰). از این رو با توجه به نقش مهم انتظارات و باورهای پیش از ازدواج در رضایت‌مندی زناشویی و با توجه به این که تاکنون پژوهشی در خصوص اثربخشی مدل پیش از ازدواج SYMBIS در جامعه ایران صورت نگرفته است، هدف از این پژوهش بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر مدل SYMBIS بر انتظارات و باورهای مرتبط با ازدواج دختران ایرانی است. به عبارتی این پژوهش می‌کوشد به این موضوع بپردازد که آیا آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر مدل SYMBIS می‌تواند باعث بهبود انتظارات و باورهای انتخاب همسر دختران شود؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری در این پژوهش کلیه دختران مجرد در آستانه ازدواج بودند که از طریق آگهی‌های منتشرشده در شهر شهرکرد داوطلب شرکت در دوره مشاوره پیش از ازدواج بودند. از بین افراد ثبت‌نام‌کننده ۳۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند و در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) به صورت تصادفی شمارش شدند. سن افراد نمونه بین ۱۸ تا ۲۸ سال قرار دارد. دو نفر کارشناسی ارشد، ۱۶ نفر کارشناسی، ۱۰ نفر فوق دیپلم و دو نفر دیپلم داشتند. شرایط ورود به پژوهش شامل مجرد بودن، داشتن حداقل مدرک تحصیلی سیکل و عدم شرکت در مداخلات آموزشی هم‌زمان بوده است. از آنجا که این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکترای بوده است، با توجه به حجم کار صورت‌گرفته (پژوهش کیفی - کمی) در رساله و بنا به پیشنهاد استادان راهنما، جامعه پژوهش فقط دختران مجرد در نظر گرفته شدند و از آن‌ها خواسته شد مقیاس انتظار از ازدواج^{۱۸} و مقیاس باورهای مرتبط با انتخاب همسر را تکمیل کنند.

ابزار اندازه‌گیری

مقیاس انتظار از ازدواج: این پرسش‌نامه توسط جونز و نیلسون (۱۹۹۶؛ به نقل از نیل‌فروشان و همکاران، ۱۳۹۰) برای سنجش انتظار از ازدواج دانشجویان مجردی که سابقه ازدواج نداشته‌اند طراحی شده است. گزاره‌های آن انتظارات را در رابطه با سه حیطة ازدواج؛ یعنی صمیمیت، برابری و توافق ارزیابی می‌کند. مقیاس انتظار از ازدواج، میزان انتظارات بدبینانه، واقع‌گرایانه و ایده‌آل‌گرایانه افراد نسبت به ازدواج را اندازه می‌گیرد. این پرسش‌نامه حاوی ۴۰ گزاره است که در یک طیف پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵)) نمره‌گذاری می‌شود. حداقل نمره ۴۰ و حداکثر آن ۲۰۰ است. گزاره‌های ۴، ۱۸، ۲۳، ۲۸، ۳۰، ۳۵ و ۳۸ به طور معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. به طور کلی نمرات پایین‌تر نشان‌دهنده انتظارات بدبینانه از ازدواج و نمرات بالاتر نشان‌دهنده انتظار ایده‌آل‌گرایانه از ازدواج است. نمراتی که در حد وسط هستند.

انتظارات واقع‌گرایانه را نشان می‌دهند. جونز و نیلسون (۱۹۹۶) برای کل مقیاس آلفای کرونباخ ۰/۸۰ را گزارش کردند. روایی و اعتبار این پرسش‌نامه در ایران توسط نیل‌فروشان و همکاران (۱۳۹۰) در یک نمونه ۴۰ نفری دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت. همسانی درونی این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ و ضریب بازآزمایی در فاصله سه هفته ۰/۹۱ محاسبه شده است.

مقیاس باورهای مرتبط با انتخاب همسر^{۱۹}: به دلیل نبود پرسش‌نامه‌ای که متناسب با فرهنگ اسلامی - ایرانی بتواند باورهای مربوط به انتخاب همسر افراد جوان در آستانه ازدواج را بسنجد، با راهنمایی استادان مربوطه کار تهیه و تدوین این مهم انجام شد. بدین منظور با استفاده از مطالعه متون تخصصی در این حوزه و مصاحبه با دختران جوان در آستانه ازدواج و بر اساس اهداف و فرضیه‌های پژوهش به کشف باورهای انتخاب همسر آنان پرداخته شد و بدین ترتیب سؤالات پرسش‌نامه تدوین شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها، ۸۵ گویه آماده شد که پس از بازخوانی مجدد متخصصان تیم تحقیق و حذف عباراتی که مورد تأیید حداقل دو نفر از متخصصان نبود، پرسش‌نامه‌ای با ۷۰ گویه آماده شد. نمونه اولیه اجرای پرسش‌نامه یک گروه ۳۰ نفری از دختران مجرد بودند که به صورت تصادفی انتخاب شدند. پس از اجرای اولیه پرسش‌نامه، گویه‌های مشابه و گویه‌هایی که با نمره کل همبستگی کافی نداشتند، با استفاده از نرم‌افزار SPSS مشخص شدند و در نهایت ۵۷ گویه با روش تحلیل عاملی تأییدی باقی ماندند که در طیف پنج امتیازی از کاملاً موافقم (نمره ۵) تا کاملاً مخالفم (نمره ۱)، نمره‌گذاری شده است. در اجرای دوم پرسش‌نامه، نمونه پژوهش شامل ۱۵۰ دختر مجرد بود که به صورت تصادفی در دسترس انتخاب شدند. ملاک ورود شامل سکونت در شهرکرد و ملاک خروج شامل متأهل یا سابقه تأهل می‌شد. نتایج تحلیل عوامل منجر به استخراج شش عامل؛ یعنی باورهای مربوط به عشق، باورهای مربوط به ازدواج و زندگی مشترک، باورهای مربوط به رابطه جنسی، باورهای مربوط به انتخاب همسر، باورهای مربوط به فرایند ازدواج و باورهای مربوط به نقش جنسیتی شد. موفقیت تحلیل عاملی در نشان دادن ساختار زیربنایی پرسش‌نامه و میزان قابل توجه واریانس تبیین‌شده توسط آن را می‌توان به عنوان شاهدهی بر روایی پرسش‌نامه در نظر گرفت. اعتبار پرسش‌نامه از سویی با استفاده از آلفای کرونباخ (۰/۸۴) و از سوی دیگر بر اساس میزان بالای واریانس تبیین‌شده توسط تحلیل عاملی تأیید شد.

شیوه اجرا

برای اجرای این پژوهش ابتدا ۳۰ نفر انتخاب‌شده در دو گروه (آزمایش و کنترل) به ابزارهای اندازه‌گیری پاسخ دادند. سپس متغیر مستقل یعنی مدل آموزشی SYMBIS روی افراد گروه آزمایش اعمال شد و پس از پایان جلسات آموزشی دو گروه مجدداً ابزارهای اندازه‌گیری را به عنوان پس‌آزمون پاسخ دادند. بعد از گذشت سه ماه از اجرای متغیر مستقل، هر دو گروه آزمون‌های مورد نظر را با عنوان آزمون پیگیری تکمیل کردند. از آنجا که رعایت حقوق آزمودنی‌ها یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های پژوهش در علوم رفتاری است، بنابراین در این پژوهش به منظور جانبداری از حقوق آزمودنی‌ها و حفظ حریم خصوصی و انسانی آن‌ها، از تمامی آزمودنی‌ها به صورت شفاهی رضایت حضور در پژوهش کسب شد. کلیه پرسش‌نامه‌ها و اطلاعات به صورت انحصاری نزد پژوهشگر نگهداری شدند و تمامی پرسش‌نامه‌ها با کد علامت‌گذاری شد و تشخیص هویت

شرکت‌کنندگان تنها از طریق کد امکان‌پذیر بود. گروه گواه نیز پس از اجرای آزمون پیگیری، خدمات مشاوره‌ای دریافت کردند.

تعداد جلسات آموزشی برای مدل SYMBIS هشت جلسه بود که با استناد به سه کتاب کار تألیفی پاروت و پاروت با عنوان «هفت سؤالی که باید پیش از ازدواج از خود پرسید» تدوین شده است. لازم به ذکر است که مکاتباتی در خصوص دریافت اجازه از صاحبان این رویکرد جهت اجرای آموزش توسط استادان صورت گرفت. در هر جلسه ابتدا خلاصه‌ای از مباحث جلسه قبلی مطرح شده و به این ترتیب دو جلسه به هم ربط داده می‌شد. جلسات آموزشی دو بار در هفته و به مدت ۹۰ دقیقه برگزار شد. محتوای جلسات در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: اهداف و روش‌های جلسه مدل SYMBIS

جلسه	هدف	نمونه روش‌ها
۱	برقراری رابطه صمیمانه و ارزیابی اولیه	اجرای پیش‌آزمون
۲	نشان دادن افسانه‌های رایج ازدواج و ساخت انتظارات سالم از زندگی مشترک	تمرین: ۱۰ فرمان فردی و تصمیم‌گیری در مورد نقش خود
۳	به وجود آمدن یک شناخت واقعی از عشق و روان بودن آن	تمرین: تعریف عشق و سبک عشق‌ورزی شما
۴	به وجود آوردن یک دیدگاه که به حفظ ازدواج کمک کند (جدا از سرزنش، توهین و احساس ترحم)	تمرین: دوری از بازی سرزنش، سازگاری یافتن با چیزها به دور از کنترل
۵	به وجود آوردن شرایط فردی و آموزش مهارت‌های ویژه ارتباط سالم	آزمایش خود: من چقدر سالم ارتباط برقرار می‌کنم؟
۶	کشف تفاوت‌های جنسی و در عین حال بررسی مهارت‌های برقراری ارتباط	تمرین: نیاز مهم شما ایفای نقش: مهارت‌های برقراری ارتباط در موقعیت جنسی
۷	آموزش، مدل‌سازی و تمرین مهارت‌های حل تعارض	تمرین: ذهن‌خوانی ایفای نقش: به اشتراک گذاشتن مهارت‌ها
۸	کشف افسانه‌ها و تأمین ابزارها برای ساخت مسیرهای معنوی	تمرین: سفر معنوی و بهبود خدمات

یافته‌ها

با توجه به این‌که در این پژوهش از پرسش‌نامه محقق‌ساخته باورهای مربوط به انتخاب همسر استفاده شده است، برخی از یافته‌های مربوط به پایایی و روایی آن در این بخش ارائه شده و در ادامه فرضیات تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

برای بررسی میزان پایایی آزمون به محاسبه همسانی درونی آزمون باورهای مربوط به انتخاب همسر پرداخته شد. در این روش از نمرات به دست آمده از اجرای آزمون در گروه نمونه استفاده شد و با محاسبه آلفای کرونباخ توسط نرم‌افزار SPSS ضریب همسانی درونی آزمون برابر با ۰/۸۴، ضریب گاتمن برابر با ۰/۸۲ و ضریب دو نیمه‌سازی برابر با ۰/۸۰ برآورد شد که از نظر آماری مطلوب است. این نتایج در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ضرایب آلفا، گاتمن و دو نیمه‌سازی جهت سنجش پایایی پرسشنامه

شاخص‌های آماری	ضریب آلفا	ضریب گاتمن	ضریب دو نیمه‌سازی
باورهای مربوط به انتخاب همسر	۰/۸۴	۰/۸۲	۰/۸۰

جهت سنجش روایی پرسش‌نامه از روایی صوری، ملاکی و سازه استفاده شد. در این پژوهش متن پرسش‌نامه در چندین نوبت توسط متخصصان مسلط به محتوا و روان‌سنجی مورد بررسی قرار گرفت و از نظر انطباق سؤال‌های تشکیل‌دهنده پرسش‌نامه با موضوع و هدف‌های پژوهش تأیید شد. روایی ملاکی نشان می‌دهد که نمرات حاصل از یک آزمون با نمرات حاصل از یک آزمون دیگر یا وسیله اندازه‌گیری دیگر که ملاک نامیده می‌شود، چقدر هم‌خوانی و ارتباط دارد. هر قدر این ارتباط بیشتر باشد، ضریب روایی آزمون نیز بیشتر خواهد بود. بنابراین در روایی ملاکی از نمرات یک آزمون برای پیش‌بینی عملکرد افراد در آزمون دوم استفاده می‌شود. در این پژوهش پرسش‌نامه لارسون به عنوان همگرا به صورت هم‌زمان با پرسش‌نامه باورهای مربوط به انتخاب همسر اجرا شد، بنابراین نتایج روایی ملاکی هم‌زمان در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: ضریب همبستگی بین مؤلفه باورهای مربوط به انتخاب همسر و پرسشنامه لارسون

متغیرهای پژوهش	تعداد	ضریب همبستگی	میزان معنی‌داری	میزان اشتراک به درصد
باورهای مربوط به انتخاب همسر و پرسش‌نامه لارسون	۱۵۰	۰/۴۸	*۰/۰۰۱	۲۴/۱۱

همان‌طور که نتایج تحلیل همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، رابطه معنی‌داری بین مؤلفه باورهای مربوط به انتخاب همسر و پرسش‌نامه لارسون وجود دارد. با توجه به میزان اشتراک بین پرسش‌نامه لارسون با مؤلفه باورهای مربوط به انتخاب همسر می‌توان نتیجه گرفت که این پرسش‌نامه از روایی ملاکی هم‌زمان مناسبی برخوردار است.

برای تعیین اعتبار سازه در پژوهش حاضر از روش تحلیل عوامل استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: مشخصه‌های آماری اولیه پرسش‌نامه شش‌عاملی با اجرای روش PC

عامل	ارزش ویژه (آیگن)	درصد واریانس	درصد تراکمی
۱	۸/۵۳۰	۱۴/۹۶۴	۱۴/۹۶۴
۲	۴/۰۸۸	۷/۱۷۳	۲۲/۱۳۷
۳	۳/۸۸۳	۶/۸۱۲	۲۸/۹۴۹
۴	۲/۶۸۵	۴/۷۱۱	۳۳/۶۶۰
۵	۲/۶۴۵	۴/۶۴۱	۳۸/۳۰۱
۶	۲/۲۵۸	۳/۹۶۲	۴۲/۲۶۳

در ادامه با توجه به مضمون سؤال‌ها و بر اساس زیربنای نظری پرسشنامه، نامی مناسب برای هر عامل انتخاب شد که به ترتیب ارزش ویژه عبارتند از: باورهای مربوط به عشق (نمونه سؤال: عاشق یکدیگر بودن،

دلیل کافی برای ازدواج کردن است)، باورهای مربوط به زندگی مشترک (نمونه سؤال: اگر مشکلی در زندگی زناشویی پیش بیاید، اول باید دنبال مقصر بود)، باورهای مربوط به رابطه جنسی (نمونه سؤال: رابطه جنسی خوب به تنهایی موجب یک زندگی لذتبخش می‌شود)، باورهای مربوط به انتخاب همسر (نمونه سؤال: تا زمانی که فرد ایده‌آل خود را نیافته‌ام، نباید راضی به ازدواج شوم)، باورهای مربوط به فرایند ازدواج (نمونه سؤال: تفاوت در رسوم مربوط به ازدواج نباید مهم تلقی شوند) و باورهای نقش جنسیتی (نمونه سؤال: مردها غیر قابل اعتماد هستند). با توجه به نتایج به دست آمده، پرسش‌نامه محقق‌ساخته از پایایی و روایی قابل قبولی برخوردار بوده است و بنابراین می‌تواند در این پژوهش و پژوهش‌های آینده مورد استفاده قرار گیرد. در ادامه نتایج تحلیل داده‌ها ارائه شده است.

فرضیه اول: آموزش مدل SYMBIS بر انتظارات قبل از ازدواج دختران مؤثر است.

جدول ۵: میانگین و انحراف استاندارد انتظارات از ازدواج در دو گروه آزمایش و کنترل

گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
گروه آزمایش	۱۴۲/۴۶	۱۲/۴۹	۱۳۶	۱۱/۰۹	۱۳۲/۹۳	۱۱/۵۷
گروه کنترل	۱۴۳/۴	۱۶/۳۶	۱۴۳/۲۶	۱۵/۹۲	۱۴۳/۵۳	۱۵/۸۱

جدول ۵ میانگین و انحراف استاندارد گروه‌های آزمایش و کنترل را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول مشهود است، میانگین نمرات انتظارات طی سه مرحله اجرای آزمون در طول زمان کاهش یافته است. برای انجام تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر، رعایت پیش‌فرض‌هایی ضرورت دارد. در این پژوهش پیش‌فرض همگنی ماتریس‌های همبستگی با استفاده از آزمون باکس و پیش‌فرض برابری واریانس‌ها با استفاده از آزمون لوین رعایت شده بود، اما مفروضه کرویت برای متغیر وابسته انتظارات از ازدواج برقرار نبود ($X^2=7/96, P=0/019$)، بنابراین از آزمون تحلیل واریانس تعدیل‌یافته با استفاده از اسپیلون گرینهاوس گیسر استفاده شد.

جدول ۶: نتایج تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر در سه بار اندازه‌گیری نمره انتظارات از ازدواج در

گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آزمون F	سطح معناداری	اندازه اثر
آموزش	۳۴۹/۴۰۰	۱/۵۹۳	۲۱۹/۳۴۸	۳۳/۲۴۶	۰/۰۰۱	۵۴۳
خطا	۲۹۴/۲۶۷	۴۴/۶۰۱	۶/۵۹۸			

با توجه به نتایج جدول ۶، مقدار F محاسبه‌شده برای اثر آموزش در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. در نتیجه بین میانگین نمرات پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری انتظارات از ازدواج در گروه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. ۵۴ درصد از تغییرات نمرات انتظار دختران به خاطر تأثیر مداخله آموزشی بوده است. این بدان معناست

که آموزش مدل SYMBIS موجب بهبود انتظارات از ازدواج در دختران مجرد شده است. یعنی آموزش توانسته انتظارات غیرمنطقی دختران را کاهش دهد. بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. فرضیه دوم: آموزش مدل SYMBIS بر باورهای مربوط به ازدواج دختران مؤثر است.

جدول ۷: میانگین و انحراف استاندارد باورهای مربوط به ازدواج در دو گروه آزمایش و کنترل

گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
گروه آزمایش	۱۴۱/۲	۱۶/۵۷	۱۳۳/۹۳	۱۶/۳	۱۳۱/۳۳	۱۶/۹۴
گروه کنترل	۱۳۹/۷۳	۱۵/۹	۱۳۸/۷۳	۱۶/۱۶	۱۳۸/۹۳	۱۵/۸۲

جدول ۷، میانگین و انحراف استاندارد گروه‌های آزمایش و کنترل را نمایش می‌دهد. همان‌طور که در جدول مشهود است، میانگین نمرات باورهای مرتبط با ازدواج دختران طی سه مرحله اجرای آزمون در طول زمان کاهش یافته است. در خصوص نمرات باورهای مربوط به ازدواج، پیش‌فرض همگنی ماتریس‌های همبستگی با استفاده از آزمون باکس و پیش‌فرض برابری واریانس‌ها با استفاده از آزمون لوین رعایت شده بود. هم‌چنین مفروضه کرویت برقرار بود ($P=0/900$ ، $X^2=0/211$)، بنابراین می‌توان از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر استفاده کرد. نتایج این آزمون در جدول ۸ آمده است.

جدول ۸: نتایج تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر در سه بار اندازه‌گیری نمره باورهای مربوط به ازدواج در گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آزمون F	سطح معناداری	اندازه اثر
آموزش	۴۶۹/۶۸۹	۲	۲۳۴/۸۴۴	۵۷/۴۲۴	۰/۰۰۱	۰/۶۷۲
خطا	۲۲۹/۰۲۲	۵۶	۴/۰۹۰			

در نتیجه بین میانگین نمرات پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری باورهای مربوط به ازدواج در گروه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. ۶۷ درصد از تغییرات نمرات متغیر وابسته، یعنی باورهای مرتبط با ازدواج دختران به خاطر تأثیر مداخله آموزشی بوده است. این بدان معناست که آموزش مدل SYMBIS موجب تغییر باورهای مرتبط با ازدواج در دختران مجرد شده است. یعنی آموزش توانسته باورهای غیرمنطقی دختران را کاهش دهد؛ بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر مدل SYMBIS بر انتظارات از ازدواج و باورهای مربوط به انتخاب همسر دختران صورت گرفت. نتایج تحلیل داده‌ها نشان دادند که تفاوت معناداری بین نمرات آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل در مراحل پس‌آزمون و پیگیری وجود دارد، یعنی آموزش مدل SYMBIS بر انتظارات و باورهای مربوط به ازدواج دختران مؤثر بوده است.

نتایج به دست آمده با یافته‌های پاروت و پاروت (۲۰۰۶)، ویج (۲۰۰۳)، کرافورد (۲۰۰۹)، مارکس (۲۰۰۷) و ویل (۲۰۱۶) همخوان است. پاروت و پاروت (۲۰۰۶) در پژوهش‌های متعدد خود در مورد افراد شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی مبتنی بر مدل SYMBIS دریافتند خودکارآمدی و سازگاری زناشویی بعدی آن‌ها افزایش یافته و انتظارات آن‌ها تعدیل یافته است.

ویج^{۲۰} (۲۰۰۳)؛ به نقل از وین^{۲۱}، (۲۰۱۵) در پژوهش خود نشان داد که در برنامه‌های مشاوره پیش از ازدواج که از مدل زوج‌مربی^{۲۲} پاروت و پاروت، به عنوان یک رویکرد مکمل استفاده کرده‌اند، شرکت‌کنندگان گزارش داده‌اند که از مشاهده و ارتباط با زوج‌مربانی که عادات ارتباطی درست و سالم را به نمایش می‌گذاشتند، فواید زیادی کسب کرده‌اند. این مطالعه نشان داد که مربیان نقش مهمی را در یاری رساندن به افراد و زوجین در آگاه شدن از نگرش‌ها و رفتارهای مضر، ارتقای دانش‌شان، ایجاد یک چشم‌انداز واقع‌بینانه در خصوص ازدواج، حل و فصل مشکلات ارتباطی و آموختن برقراری ارتباط با روش‌های مثبت‌تر ایفا می‌کنند.

هم‌چنین کرافورد^{۲۳} (۲۰۰۹) در پژوهش خود به بررسی اثربخشی مدل آموزشی SYMBIS، زمانی که در کلیساها با نمونه محدود انجام شود، پرداخت. او با استفاده از رویکرد مطالعه موردی و اندازه‌گیری عملکرد ارتباطی، به ارزیابی اثربخشی این برنامه بر شش زوج پرداخت. این زوجین به لحاظ نداشتن سابقه سوءاستفاده و خشونت خانوادگی و افسردگی غربال شده بودند. نتایج پژوهش او با تحقیقات قبلی همخوان بود که پیشنهاد کرده‌اند مربی ازدواج یک ابزار پیشگیرانه اجتماع‌محور و عملی است که می‌تواند در شروع ازدواج به ارتقای حمایت‌های دریافتی کمک کند. هم‌چنین نتایج مؤید تحقیق ویج (۲۰۰۳) به نقل از وین، (۲۰۱۵) بوده که شرکت‌کنندگان در جلسات SYMBIS از مشاهده و ارتباط با زوج‌مربانی که عادات ارتباطی درست و سالم را به نمایش می‌گذاشتند، فواید زیادی کسب کرده‌اند. کرافورد گزارش کرده که شرکت‌کنندگان اثرپذیری کمتری از دادن دستورالعمل و مشورت داشتند، در حالی که از مشاهده زوج‌مربانی که خود را درگیر الگوهای ارتباطی سالم می‌کردند، بهره و سود بیشتری به دست می‌آورند.

مارکس (۲۰۰۷) نیز در پژوهش خود به بررسی اثربخشی مدل SYMBIS در کاهش طلاق و ایجاد ثبات و رضایت زناشویی پرداخت. برای این منظور هشت زوج را که قبلاً در برنامه SYMBIS شرکت کرده بودند، انتخاب کرد و از طریق پرسش‌نامه خودگزارشی پیش از ازدواج به بررسی نظر اعضا راجع به فرمت، نوع برنامه و کاربردی بودن مدل SYMBIS در زندگی آن‌ها پرداخت. نتایج نشان داد که این مدل در کاهش نرخ طلاق و افزایش ثبات و رضایت زناشویی پایدار در زوجین شرکت‌کننده در این برنامه در مقایسه با گروه کنترل مؤثر بوده است.

با توجه به این‌که تاکنون در ایران پژوهشی در خصوص مدل SYMBIS در حوزه پیش از ازدواج صورت نگرفته، به یافته‌های پژوهش‌هایی که از دیگر رویکردهای مشاوره پیش از ازدواج استفاده کرده‌اند، اشاره می‌شود. نتایج به دست آمده با پژوهش رفیعی و همکاران (۱۳۹۴)، امینی و حیدری (۱۳۹۵)، پاشیب و همکاران (۱۳۹۵)، راستگو (۱۳۹۳) و امیدوار (۱۳۹۰) همخوان است. رفیعی و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای نشان دادند که آموزش آمادگی برای ازدواج در جهت بهبود انتظارات زناشویی دختران مؤثر است.

امینی و حیدری (۱۳۹۵) در مطالعه خود به بررسی اثربخشی آموزش غنی‌سازی روابط بر ارتقای انتظارات زناشویی و رضایت زناشویی دانشجویان متأهل پرداختند. تحلیل نتایج بیانگر این بود که بین میانگین نمرات انتظارات از ازدواج و رضایت زناشویی شرکت‌کنندگان بر حسب عضویت گروهی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. عباسی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی و مقایسه اثربخشی آموزش قبل از ازدواج مبتنی بر برنامه آموزش ارتباط و برنامه آگاهی و انتخاب بین‌فردی بر انتظارات زناشویی و باورهای ارتباطی دانشجویان مجرد دانشگاه‌های شهر اهواز پرداخت. نتایج نشان داد که برنامه آموزش ارتباط و برنامه آگاهی و انتخاب بین‌فردی در کاهش انتظارات زناشویی ایده‌آل‌گرایانه و مؤلفه‌های باورهای ارتباطی ناکارآمد دانشجویان مجرد مؤثر است و این دو برنامه توانسته‌اند به یک اندازه در کاهش انتظارات زناشویی و مؤلفه‌های باورهای ارتباطی دانشجویان مجرد مؤثر باشند.

پاشیب، محمدی، سیدمحمی و تاتاری (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی اثربخشی مشاوره پیش از ازدواج بر انتظار از ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی پرداختند. دو گروه قبل از مداخله، از نظر متغیرهای زمینه‌ای تفاوت معناداری نداشتند، اما بعد از آموزش، میانگین نمره کل انتظار از ازدواج بین دو گروه دانشجویان تفاوت معناداری داشت. بر اساس نتایج به دست آمده، مشاوره پیش از ازدواج باعث بهبود انتظارات بدبینانه و ایده‌آل‌گرایانه در بین اکثریت دانشجویان شد و انتظارات واقع‌بینانه از ازدواج را افزایش داد. نتایج مطالعه معتمدی و همکاران (۱۳۸۸) هم نشان دادند که مشاوره پیش از ازدواج، دانش دختران درباره ازدواج را افزایش می‌دهد.

راستگو (۱۳۹۳) به تدوین بسته‌های آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر دیدگاه اسلام‌محور و مشاوره خانواده و مقایسه تأثیر آن‌ها بر انتظارات و نگرش‌های زناشویی در دانشجویان دختر مجرد پرداخت. نتایج پژوهش او نشان داد در انتظارات و نگرش‌های زناشویی نمرات کل دو گروه آزمایش در پیش‌آزمون با پس‌آزمون و گروه کنترل تفاوت معناداری به دست آمده و آموزش بر اساس آموزه‌های اسلام پیش از آموزش بر اساس دیدگاه مشاور خانواده، نمره کل انتظارات و نگرش‌های زناشویی را کاهش داده است.

هم‌چنین امیدوار، فاتحی‌زاده و احمدی (۱۳۹۰) در پژوهش خود نشان دادند که برنامه‌های مشاوره پیش از ازدواج می‌تواند در بهبود نگرش و انتظارات افراد قبل از ازدواج اثرگذار باشد.

در تبیین نتایج به دست آمده می‌توان گفت در آموزش‌های پیش از ازدواجی که در کشور ما انجام شده، توجه زیادی به ملاک‌های همسرگزینی، سؤال‌هایی که در زمان آشنایی باید پرسیده شود و علائم هشداردهنده شده است. در این آموزش‌ها به نظر گرفتن اسطوره‌ها و انتظارات برگرفته از محیط خانواده و جامعه توجه اندکی می‌شود. در مدل SYMBIS از همان آغاز بحث انتظارات و قواعد ناگفته مطرح می‌شود که خود به آگاه‌سازی جوان در این خصوص منجر می‌شود که هر کس با مجموعه‌ای از قواعد زندگی می‌کند که این قواعد شناخته شده‌اند، ولی به ندرت به زبان آورده می‌شوند و بیشتر اوقات، قواعد ناگفته زمانی تحریک می‌شوند که توسط دیگران؛ به خصوص افراد مهم زندگی مثل همسر زیر پا گذاشته می‌شوند. هم‌چنین در این مدل اسطوره‌های رایج ازدواج (به ویژه درباره عشق) مطرح شده که خود موجب تعدیل انتظارات رمانتیک و ایده‌آل‌گرایانه در ازدواج می‌شود.

یکی از مهارت‌هایی که باورهای منفی افراد را به چالش می‌طلبد، مهارت شاد زیستن است. شاد بودن هیچ ارتباطی به وجود شرایطی بهتر ندارد. تعبیر و تفسیرهای منفی و سرزنش کردن خود و دیگران، موانعی دشوار بر سر راه شاد بودن ازدواج هستند. بیان نظرات آزردهنده؛ غم و اندوه افراد را رقم نمی‌زند؛ بلکه این خود افراد هستند که می‌توانند موجب غم و ناراحتی خویش شوند. البته غم و اندوه عکس‌العمل طبیعی به چیزی است که دوست نداریم، اما بهتر است این عکس‌العمل بیشتر به عنوان محرکی برای ایجاد پاسخ‌های مثبت به کار گرفته شود. اگر ما مکان کنترل خویش را در درون و نه در رخدادهای بیرونی قرار دهیم، آنگاه می‌توانیم رخدادهای آشفته‌ساز را بازتعبیر کرده و نگرشی مثبت ایجاد کنیم (پاروت و پاروت، ۲۰۰۶).

بر اساس نتایج به دست آمده، می‌توان گفت اگر برنامه‌های مشاوره پیش از ازدواج در کشور ما به بعد معنوی ازدواج بیشتر توجه کنند، می‌توانند اثربخشی بهتری داشته باشند. بعد معنوی ازدواج منبعی سودمند برای رشد و سلامت زندگی مشترک است. هیچ عامل دیگری به اندازه سهمیم شدن در پی‌ریزی معنویت نمی‌تواند حس یکتایی و هدفمند بودن ازدواج را در افراد ایجاد کند. اگر ازدواج سالم باشد، می‌تواند به راهی عرفانی برای رسیدن به خداوند متعال بدل شود. ثابت شده است که مذهب می‌تواند ازدواج‌هایی را شکل دهد که در آن‌ها زوج، ارزش‌ها و جهان‌بینی مشترکی دارند و برای دستیابی به هدفی یکسان تلاش می‌کنند. این جهان‌بینی مشترک موجب تعدیل انتظارات و باورهای غیرمنطقی در خصوص ازدواج می‌شود.

آموزش‌های پیش از ازدواج یکی از راه‌های پایین آوردن انتظارات و باورهای غیرواقع‌بینانه است. مدل SYMBIS با قرار دادن هفت مقوله مهم در امر ازدواج که پیش‌تر بحث شد، می‌تواند نقش بسزایی در شفاف‌سازی و تعدیل باورها و انتظارات افراد از ازدواج داشته باشد و موجب بالا بردن توانمندی افراد در شناخت بهتر خود و قرار دادن آن‌ها در مسیر رشد شود. این امر می‌تواند به غنی‌سازی زندگی زناشویی کمک شایانی کند.

SYMBIS به عنوان یک برنامه پیشگیرانه نسبتاً جدید، ابعاد گوناگونی را شامل می‌شود که قابلیت تغییر و توسعه را دارند. با ایجاد بسترهای پایاتر ناشی از پژوهش‌های بنیادی، این مدل می‌تواند تلاش‌های مؤثر و کارآمدتر را با اطمینان بیشتری نشان دهد. توانمندی عمده این برنامه شاید به اهمیت کاربرد آن در یک موقعیت و قابل دسترس بودن آن است. نسل کنونی زوج‌ها، به وسیله تعیین برجسته‌ترین موضوعات، نیاز خود را به این مدل نشان داده‌اند. این برنامه هم‌چنین به گونه‌ای است که برای بیشتر افرادی که امکان دسترسی به آن را دارند، پذیرفتنی و قابل قبول است. با توجه به این‌که این برنامه قابلیت اجرا در موقعیت‌های گوناگون با انواع مختلف مشکلات را دارد، می‌تواند برای بسیاری از زوج‌ها به کار گرفته شود (برگر و هانا، ۱۹۹۹).

هر پژوهشی با محدودیت‌هایی روبه‌رو است که آگاهی از آن‌ها در جهت‌گیری پژوهش‌های دیگر و بهبود پژوهش‌های آینده کمک‌کننده خواهد بود. در ادامه به برخی از محدودیت‌های این پژوهش اشاره می‌شود. به دلیل این‌که نمونه پژوهش تنها شامل دختران مجرد در مرحله انتخاب همسر بود، نتایج پژوهش برای پسران مجرد در مرحله انتخاب همسر قابل تعمیم نیست. به علت محدودیت آموزش گروهی و محدودیت زمان و هزینه، امکان افزایش حجم نمونه بیش از ۱۵ نفر در هر گروه وجود نداشت. نگرش شرکت‌کنندگان به آزمون‌های مورد استفاده، میزان همکاری آن‌ها با پژوهشگر و میزان صداقت و علاقه‌مندی آن‌ها به پایبندی و

اجرای کامل مواد آموزشی نیز از مواردی است که تقریباً از اراده و کنترل پژوهشگر خارج است و می‌تواند نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر به دلیل این‌که تاکنون پژوهشی در ایران در خصوص اثربخشی مدل SYMBIS (در حوزه پیش از ازدواج) صورت نگرفته بود، هیچ پیشینه پژوهشی فارسی وجود نداشت.

پیشنهاد می‌شود برای تحقیقات آینده ۱. پژوهشی مشابه در شهرهای دیگر انجام شود. ۲. پژوهشی مشابه روی پسران مجرد در مرحله انتخاب همسر انجام گیرد. ۳. پرسش‌نامه‌های باورهای مربوط به انتخاب همسر در پژوهش‌های آینده هنجاریابی شود. ۴. به بررسی اثربخشی مدل SYMBIS (تحکیم ازدواج پیش از شروع) بر متغیرهای مهم دیگر از جمله آمادگی ازدواج، مهارت انتخاب همسر و معیارهای انتخاب جوانان در آستانه ازدواج پرداخته شود و تأثیر این شیوه با شیوه‌های آموزشی دیگر مقایسه شود. همچنین از این مدل آموزشی می‌توان جهت کمک به مشاوران در حوزه پیش از ازدواج در مراکز مشاوره استفاده کرد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|---|--|
| 1. Marital Expectation | 13. Berger & Hannah |
| 2. Harris | 14. Les & Leslie Parrott |
| 3. Internal Working Models | 15. Seattle Pacific University |
| 4. Holman | 16. Vail |
| 5. Shaver | 17. Mraks |
| 6. Emery, Horn & Beam | 18. Marriage Expectation Scale(MES) |
| 7. Park & Rosen | 19. Belief about Mate Selection Scale (BMSS) |
| 8. Nillson | 20. Wage |
| 9. Constraining Belief | 21. Win |
| 10. Larson | 22. Mentor Couple |
| 11. Yilmaz & Kalkan | 23. Crawford |
| 12. Saving Your Marriage Before is Start (SYMBIS) | |

منابع

- امیدوار، ب.، فاتحی‌زاده، م.، و احمدی، ا. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر نگرش‌های زناشویی دانشجویان در آستانه ازدواج. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۰(۳۸)، ۱۰۱-۸۱.
- امینی، م.، حیدری، ج. (۱۳۹۵). بررسی اثربخشی آموزش غنی‌سازی روابط بر ارتقاء کیفیت زندگی و رضایت زناشویی دانشجویان متأهل. *آموزش و سلامت جامعه*، ۳(۲)، ۳۱-۲۳.
- پسندیده، ع. (۱۳۹۱). *رضایت زناشویی*. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- پاشیب، م.، سیدمحرمی، ا.، محمدی، س.، و تاتاری، م. (۱۳۹۵). تأثیر مشاوره پیش از ازدواج بر انتظار از ازدواج در بین دانشجویان علوم پزشکی. *مجله علوم پزشکی تربیت حیدریه*، ۴(۴)، ۱۵-۱۰.
- جعفرزاده، ز. (۱۳۹۴). *بررسی تأثیر مدل SYMBIS بر کاهش تعارضات زناشویی در زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مداخله در بحران شهر اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد خوراسگان.

- راستگو، ص. (۱۳۹۳). تدوین بسته‌های آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر دیدگاه اسلام‌محور و مشاوره خانواده و مقایسه تأثیر آن‌ها بر انتظارات و نگرش‌های زناشویی در دانشجویان دختر مجرد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه مشاوره خانواده دانشگاه اصفهان.
- رفیعی، ا.، اعتمادی، ع.، بهرامی، ف.، و جزایری، ر. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر آموزش آمادگی برای ازدواج بر انتظارات زناشویی و مؤلفه‌های آن در دختران عقد کرده شهر اصفهان. *فصلنامه زن و جامعه*، ۶(۲۱)، ۳۹-۲۱.
- سپهری، ص. و حسن‌زاده توکلی، م. (۱۳۹۰). بررسی اعتبار و روایی مقیاس نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۷(۲۸)، ۴۱۹-۴۰۱.
- عباسی، ق. (۱۳۹۴). بررسی و مقایسه اثربخشی آموزش قبل از ازدواج مبتنی بر برنامه آموزش ارتباط و برنامه آگاهی و انتخاب بین فردی بر انتظارات زناشویی و باورهای ارتباطی دانشجویان مجرد دانشگاه‌های شهر اهواز. پایان‌نامه دکترای تخصصی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز.
- قاسمی مقدم، ک.، بهمنی، ب.، و عسگری، ع. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش گروهی برنامه‌گنی‌سازی زناشویی (سبک اولسون) بر افزایش رضامندی زنان متأهل. *روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۸(۲)، ۱۰-۱.
- نیل‌فروشان، پ.، عابدی، م.، احمدی، ا.، و نویدیان، ع. (۱۳۹۰). بررسی ساختار عاملی، اعتبار و روایی مقیاس انتظار از ازدواج. *مجله علوم رفتاری*، ۱۵(۱)، ۱۹-۱۱.
- معمدی، ب.، سلطان احمدی، ژ.، و نیکیان، ی. (۱۳۸۸). تأثیر مشاوره قبل از ازدواج بر دانش دختران. *فصلنامه علمی پژوهشی فیض*، ۸(۱)، ۱۰۷-۱۰۱.
- یوسفی، ن.، نصیری، غ.، و زاده‌محمدی، ع. (۱۳۹۵). گنی‌سازی رابطه همسران در مدل بهبود رابطه. *مجله آسیب‌شناسی، مشاوره و گنی‌سازی خانواده*، ۲(۲)، ۸۲-۶۷.

- Abasi, GH. (2015). *Review and compare the effectiveness of premarital education program based on communication and interpersonal awareness program and choose the marital expectations and beliefs of communication students' singles of university Ahwaz*. Ph.D thesis in Psychology. Ahvaz University [in Persian].
- Amini, M., Heydari, H. (2016). [Effectiveness of relationships enrichment education on improvement of life quality and marital satisfaction in married female students]. *J Educ Community Health*, 3(2), 23-31[in Persian].
- Berger, R., & Hannah, M. T. (1999). *Preventive Approach in Couple Therapy*. North Carolina: Edward Brother.
- Crawford, S. C. (2009). *Efficacy of the Parrott's Couples Mentoring Program in a Community Setting*. PhD thesis in Psychology, Regent University.
- Emery, R. E., Horn, E. E., & Beam, C. R. (2012). *Marriage and Improved Well-Being. Marriage at the Crossroads: Law, Policy, and the Brave New World of Twenty-First-Century Families*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ghasemi Moghadam, K., Bahmani, B., Asgari, A. (2013). [Effectiveness of group education of marital enrichment program (Olson Style) on improvement of married women's satisfaction]. *Clinical Psychology & Personality*, 8(2), 1-10 [in Persian].
- Holman, T. B. (2005). *Premarital Prediction of Marital Quality or Breakup: Research, Theory, and Practice*. New York: Kluwer Academic/Plenum Publishers.
- Jafarzadeh, Z. (2016). *The effect of SYMBIS model on marital conflicts in couples referring to Isfahan intervention center*. Master thesis in Psychology, Azad University, Isfahan (khorasgan) Branch [in Persian].
- Larson, J. H. (2000). *Should We Stay Together? A Scientifically Proven Method for Evaluating Your Relationship and Improving Its Chances for Long-Term Success*. San Francisco: Jossey-Bass.

- Marks, J. P. (2007). *Christian premarital training in the local church setting: A study of the effectiveness of the SYMBIS model in reducing divorce and producing stable and satisfying marital relationships*. PhD thesis in Psychology, Virginia University.
- Motamedi, B., Soltan Ahmadi, Z., Nikian, Y. (2004). Effect of premarriage counseling on girls' knowledge. *Feyz*, 8 (1), 101-107.
- Nilforushan, P., Abedi, M. R., Ahmadi, A., & Navidian, A. (2011). [Studying the factor structure, reliability, and validity of the Marriage Expectation Scale (MES)]. *Journal of Behavioral Sciences*, 5(1), 11-19 [in Persian].
- Nilson, E. S. (2013). Expectations for marriage among college students from intact and non-intact homes. *Journal of Divorce and Remarriage*, 26(1), 71-89.
- Omidvar, B., Fatehizade, M., & Ahmadi, A. (2011). [The effect of premarital training on marital expectations and attitude of university students in Shiraz]. *Journal of Counseling Research*, 10(38), 81-101 [in Persian].
- Pashib, M., Seyyed Moharrami, I., mohammadi, S., Tatari, M. (2017). [The effect of premarital Counseling on marriage expectation among students of university of Medical Sciences]. *Journal of Torbat Heydariyeh University of Medical Sciences*, 4 (4), 10-15 [in Persian].
- Parrott, L., & Parrott, L. (2010). *The Complete Guide to Marriage Mentoring*. Grand Rapids, Michigan: Zondervan.
- Parrott, L., Parrott, L. (2006). *Saving Your Marriage Before it Starts*. Grand Rapids, Michigan: Zondervan.
- Park, S. S., & Rosen, L. A. (2013). The marital scales: measurement of intent, attitudes, and aspects regarding marital relationships. *Journal of Divorce & Remarriage*, 4(54), 295-312.
- Passandide, A. (2012). *Marital Satisfaction*. Qom: Cultural scientific center Darolhadith [in Persian].
- Rafiee, A., Etemadi, O., Bahrami, F., & Jazayeri, R. (2015). [The effect of Preparation education for marriage on marital expectations of the under contract girls in Isfahan city]. *Journal of Woman & Society*, 6(21), 21-39 [in Persian].
- Rastgo, S. (2014). *Developing packages of premarital training (spouse) base on family counseling theory and Islamic theory and compare their effects on marital expectations and attitudes of female students*. Master thesis in family therapy. Isfahan University [in Persian].
- Sepehri, S., & Hasan Tavakoli, M. R. (2010). [An investigation on validity and reliability of the attitudes about romance and mate selection scale]. *Journal of Family Research*, 7(28), 401-419 [in Persian].
- Shaver, P. R. (2007). *Attachment in Adulthood: Structure, Dynamics, and Change*. New York: The Guilford Press.
- Vail, S. H. (2016). Reducing the divorce rate among Christians in America: Premarital counseling a prerequisite for marriage. *Journal Marriage and Family*, 80(16), 1179-1198.
- Win, E. (2015). *A Community-Based Approach to Marital Enhancement*. PhD thesis in Psychology. Regent University.
- Yilmaz, T., & Kalkan, M. (2010). The Effects of a premarital relationship enrichment program on relationship satisfaction. *Educational Sciences: Theory and Practice*, 10 (3), 1911-1920.
- Yoosefi, N., Nasiri Hanis, G., Zademohammadi, A. (2017). [Enriching couples' relationship in relationship enhancement model]. *Family Pathology, Counseling & Enrichment Journal*, 2 (2), 67-82 [in Persian].